

## در جست و جوی قطرهای شعر معاصر

مجتبی تقوی زاد، چلام چه

سخن گفتن در مورد شاعران جوان شهرستانی، ساده‌نست؛ اگر تعریف چران خیلی دیر در مورد شعرناقول داشته‌امیم که می‌گویند: شعر عبارت است از مقادیر ریاضی‌شادی، رنج و سرگشته‌گی به اضافه مقدار کمی آفت (۱)؛ باید پذیرفت که شعر مرز چترایی نیست؛ نمی‌شاید؛ اما آنچه باعث می‌شود حیطه شعر شهرستان را از مرکز جدا کنیم، میزان دسترسی به پایگاهها و تریبون‌های ادبی است. شهرستان‌های ایران به‌خاطر یاف‌ت طبیعی، قومی و فرهنگی خود دیر باز از نگاه پرورشگاه شاعران بزرگی بوده‌اند. نگاهی به تاریخ شعر ایران، شاهدین مدهامت که بسیاری از نامداران نامداران پارسی از دل شهرستان‌های کوچک سر بر آورده‌اند و کم‌کم به شهرت رسیدند.

اما مشکل از آنجایی آغاز می‌شود که جوان شهرستانی خردساز به پایگاه مناسبی برای تبلور و پرورش استعداد‌های خود ندارد؛ اگر چه همت مسوولان ادارات ارشاد استان‌ها و حوزه هنری، در شهرهایی که وجود دارد، قابل تقدیر است؛ اما باید اذعان کرد علی‌رغم تشکیل حلقه‌های شعر در این بخش‌ها، به‌شعر یادگار نگاه تخصصی پرداخته نمی‌شود. صرف نظر از گرداندن این چنین جلسات تقد و بررسی شعری، نگاه سلسله‌بندی به این مقوله باعث تشویش و سردرگمی جوانانی می‌شود که باز نایب به عرصه شعر گذاشته‌اند. چه بسا سربازان شاعران جوانی که نامی در شعر این مرز و بوم برای خود دست و پا کرده‌اند و امروز به خاطر همین برخورد‌های سلبی‌های در شعر خود گنگام می‌شوند و در هیچ مجمع شعری شرکت نمی‌کنند؛ جلسات خصوصی کم و بیش از رونق افتادند و دیگر کمتر موز سبید کرده‌ای، جلسات شعری جوان را هدایت می‌کند. شاعر جوان امروز لاجرم به خلوتی که خود ساخته یا خودخواسته بنام می‌برد و جای هم که مجالی برای حرف زدن در مورد شعر نباشد، شاعر به ورطه تکرار می‌افتد.

از دیگر سو، عدم دسترسی جوانان شاعر شهرستانی به



تازه‌های نشر مشکل ساز می‌شود. گزاره نیست اگر بگوییم سیستم توزیع کتاب و شعر در استان‌ها چندان گسترده است؛ گسترش اینترنت - که البته هنوز فراگیری کامل ندارد - دسترسی شهرستانیان را به قطرهای از شعر معاصر بیشتر شده؛ اما این تمام راه نیست. مستانه در دسترس نبودن کتاب‌های خوب شعر معاصر، ضرورتاً جوانان را در معرض خطر در جاذب فرافرا می‌دهد. (این جمله به معنای چرا چندان شاعر شهرستانی نیست)

عدم داشتن تریبون مناسب برای انتشار اشعار، گنگامی جوان شهرستانیان را افزایش می‌دهد. رسانه‌ها همواره محدود به پایتختی و در تصرف انتشارات خاص هستند؛ دست جوان شهرستانیان برای انتشار شعر و شورش کوتاه نمی‌ماند. پیرایه نیست اگر بگوییم: تنهایی امروز دنیای رسانه‌ها و شاعران هر کس رسانه باشد، دست موفقی تر است.

اما درآور ترین قسمت ماجرا اجسادت که شاعر جوانی تمام مصائب هفته شده را تحمل می‌کند و به جایی می‌رسد که می‌تواند مجموعه شعری در خور منتشر کند. حالا که دور از پایتخت است یا به پایتخت سفر را با بارها بارها برو خوهومر کند و بارها برو پایتخت، مجموعه‌های او به دست ناشزی مرکز نشین سیسپارا یا خود را با چاب مجموعه گرفته ناشی شهرستانیان را نمی‌گذارد؛ که در صورت انتخاب گزینه نهم، عملی باید پذیرفت؛ یعنی شاعر باید خود میانه به نامیده

پیشن کرد.

Advertisement for 'آکهی مناقشه عمومی' (Public Discussion) with contact details for Jamjan Online.

# پاتولوژیست غزل

سیامک بهرام‌پرو در بازگویی مجموعه شعر «به رنگ نارنگی» را منتشر کرده است

سیامک بهرام‌پرو

فکر می‌کنم زمستان ۱۳۸۳ بود که برای حضور در کنگره شعر و قاصه جوان کناره شهری بندر عباس شده بودم و به اعتقاد بسیاری از اهل فن آن سال یکی از بهترین و درخشانترین سورهایی کنگره شعر و قاصه جوان کناره بود. هم‌زمان با برگزاری کنگره شعر و قاصه جوان کناره، جشنواره احترام بزرگداشت محمدریضای بهمنی همراه همراهی ترها به بندر عباس سفر کرده بود.

در آن کنگره اگر چه سرانجام خود هیچ قطعه ای بهتر از تقدیر به دست نیاردم، اما زمینه‌های آشنایی و رفاقت با بسیاری از همسنانم فراهم شد. جمله دوست شاعری که مقام اول بخش شعر کلاسیک را هم به خود اختصاص داد و هنوز سالیان درشت تریون چنین در گویش است که می‌خواند:

«نکتحت...» عشق او تمام بهارا!  
«زوجهت...» سبب را بدخت ازارا!  
«هادموکلیم...» غزل جا گرفت و گفت  
تو هم گرفتاری ای و گامت بهمارا!  
«یک جلد...» به این قرآن! تو سوراهارا!  
چشمش «حیات...» است بخوان «قطار»!  
سره‌ها بالا بردی ای که نامی در شعر این مرز و بوم برای خود دست و پا کرده‌ای و به خاطر همین در هیچ مجمع شعری شرکت نمی‌کنی؛ جلسات خصوصی کم و بیش از رونق افتادند و دیگر کمتر موز سبید کرده‌ای، جلسات شعری جوان را هدایت می‌کند. شاعر جوان امروز لاجرم به خلوتی که خود ساخته یا خودخواسته بنام می‌برد و جای هم که مجالی برای حرف زدن در مورد شعر نباشد، شاعر به ورطه تکرار می‌افتد.

بهرام‌پرو در این کتاب آن گونه که محمدرضایکی دیده‌است بهترین مولفه کارتن‌پاز بر گرفته از مفاهیم فلسفی و اسامی پهل ۱۳۸۳ مجموعه‌های در شراش با نام «حظر تندرتارنج» منتشر کرده‌اند. معمای آن در زمان انتشارش برای عراق یکی از بهترین کتاب‌های شعر دوز این ارائه می‌شده بود. هر چه بهمنی که برکت‌یاد کتابی خود کرده بود، می‌گفت:

«مختصر بگوییم، این مجموعه از جمله آثارهایی است که باید در غزل امروز می‌انداخت؛ اگر به‌سایمک بهرام‌پرو هم که با نسل او اتفاق افتاده است؛ نسله که به پسند من و ما کارکنان نیست؛ اما ما را به پسند اوسبار کاراست.»

وقتی محمدرضای بهمنی نخستین مجموعه از شعرهای یک‌شاعر جوان را در حد و اندازهای اتفاق توصیف می‌کند قطعا باید شعرهای چنین شاعری را جدی گرفت؛ جدی خواند و جدی نقد کرد.

بهرام‌پرو برای سطح تندرتارنج با شتاب و استمرار فراوان همچنان کتاب سرود، اما در زمینه انتشارش در صورت متعجب به هر دلیل که هم نمی‌تواند هیچ‌دانشگویی چندماهه داشته باشد؛ اما این در میانه به ترجمه هم پرداخت و در این زمینه آثاری را منتشر کرد.

اما بالاخره بازگویی دومین کتاب شعر سیامک بهرام‌پرو با نام «به رنگ نارنگی» توسط انتشارات هنرورسانه در دیهشت منتشر شده است؛ اما در مخاطبان و اهل فن بتوانند درباره حدود ۱۱۰ مقاله‌بابت و غزلی برای ای قضاتی جدی تر داشته باشند.

کتابی که مانند کتاب اول هم به‌باب مقدمه منتشر شده است؛ مدهامتی‌ها که این بار به‌لقم تکر محمدرضایکی، شاعر و استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران نوشته شده است.

## آینه‌های روبه‌رو

### چند شعر از مصطفی کارگر



مصطفی کارگر، از شاعران جوان اهل استان فارس و شهرستان گراش است که به صورت جدی هم در حوزه سرایش و آفرینش به‌قدرت و پژوهش فعالیت می‌کند.

کارگر اگر چه بیشترین دبستگی‌اش به شعر گه‌و‌و قالب‌های کلاسیک است، ولی در همین قلم هم نوآوری و خلاقیت‌های خاص خودش را دارد؛ او با نظر ریاضی هم در شعر او بازی‌های پویا و پرمیوه می‌شود.

پس به آینه‌های روبه‌رو میزبان چند شعر از مصطفی کارگر هستیم.

**■ تنفس صبح شبانه**  
نمانند تورانه، شعر و باور هم سکوت کرد قفاری، گل، گل، کبوتر هم مرا تنفس صبح مستبته حیران کند کار پتخرها غربت برده شد بود چه تاگان خیرش زود منتشر شده بود که در بند و غزل را یونود افتاد هم تراود از لب درخش هنوز لقمایی که نیست چشم تر عاشقانه باهر هم چه سوگات تلمش تاست شهنم آبان شیبه سید و سلمان برید قیصر هم



**■ لغت به شیطان**  
از روشنی‌ها خبری ندیدیم بفرست صد بار لغت به شیطان هر لحظه، هر جایبوسته‌دهم، در خواب بیچار لغت به شیطان تارکیکخانه جای فساد است؛ از خواب بگریسین گشته در کوچه و صحرادر دشت و در زیر باران لغت به شیطان غنم کوبید عالم را و زیبا اما چه حاصل از این زمانه وقتی بزمی با خوبی گری می‌چود دود بار لغت به شیطان لغت، نمه اینچا لغت به ایجاد همسفره، هراه بیگانه، دشمن خان، صفاق، معرور، میگار، همسفره بار لغت به شیطان شعر بیرون می‌زند و این تکبک‌های آگاهانه‌ای که شاعر در خدمت می‌گرد بر آن جان وحشی و رهایی که غزل عاشقانه او دارد می‌چرید.

این موضوع را من به گونه‌ای به مشکلی دیگر هم پیوند می‌زنم. شعر بهرام‌پرو یکی از بزرگی‌هایش دایره واژگانی گسترده است و به جرات می‌توانم ادعا کنم که او در میان محاملشان در حوزه لغت و مسرت تریون دایره واژگانی را دارد. اما این توانایی عدلیل همان بیرون زودم و ساختار پیچیده در شعر و تأکید بر کشیدن توانایی‌های عروضی از همه بهتر؛ تکبکی‌ها و محتوا و خود شاعر با مضامین به صورت یکسان اصلا در کتاب به رنگ نارنگی به چشم نمی‌آید.

**■ شیشه قفر**  
سالم حضرت بناوشما... خودی؟ میان این همه آندوه لحظه‌ها خوابیده؛ اجازه هست «شما» را به «هن» صدا بزنیم؟ اجازه‌دادی از قبل، چون فرامیخست غبار و غریب ندر می‌ارمان جان شمع شامه همیشه در افکار مصطفی خورش شعاع روشن هر دو چشم غریب شدم؛ شما به جان خود و کمت شب و دعا خوب فراهم آمده قفرست که حرف خود بزنی: - کمی شیشه به قفرست - چون خدا خوبد ولی تو را به خدا، جان هر چه می‌خواهی؛ بگو چه می‌کنی آیا شما جز خوبد؟



این کتاب هم مستاداً آن گونه کتاب آغاز شده بود؛ اینک آن قلم گریبان دلخاک غزل بازگشته است؛ غیرانه به دامن غزل عرصه خالی است چنان جمله‌مداد کوچ که گشته است و به مران و به میان غزل- سطرهای بالا تا آنچه بهرام‌پرو آورده است فرابت‌زینگی دارند و تا کسی این گونه شیدای غزل و غزلسرای به مفهوم خاص نباشد هرگز چنین غم را برای آغاز کتابش بر نمی‌گزیند.

در روزگاری که اکثر شاعران جوان و حتی بیسکوت غزلسرای همست‌مضامین اجتماعی‌هاگشت موسیقی‌های سیاسی حرکت کرده‌اند و آیدان اهل هم سبک هنری شده است که بهترین مولفایش تیماردی و بیت‌نصوری است؛ مهم‌ترین دفع‌شاش کتف یا به روزنسانی برخی تصاویر است سیامک بهرام‌پرو شعری و اثره می‌کند که کاملاً دارای اصوات (معمولا زار) و قلم گراست و بیشتر هم به دنبال فضایاری است تا صورت‌بازاری.

غزل بهرام‌پرو به همین دلیل یکی از آثار انتظار داشته‌باشم که پس از خواندنش پربی تصوری خاص از آن در ذهن باقی بماند و خلوت آن را از مزه به کنیم بکنه شاید در برخورد با آن بوئه، به مخاطب عام کمی در برابری ارتباط آن با برداشتش مشکل بود؛ چرا که معمولاً غزل بهرام‌پرو از نظر ساخت، فرزان‌وازی پیچیدگی‌های خاص دارد که بسیاری از آنها باید با چند بار خوانش شعر متوجه شد و در مقال می‌توان این گونه

کوسبک عشق فروری کنار چاده و بووق! و با به برای یک لشکر از پتونه و رنگ برای فتح لب ساکنان شعر - شوره - نام طول خیابان آندس لای‌ویز! و پوده‌اند و قفس عشق - نگاه! چه سوهامه‌ای! آواز و از استراخ! که مزن خورده و با لا می‌آوردن می‌شود! از اسوان خدا خوشه خوشه بیورین را موده‌اند و به جایش خود - منتوق - شانه‌اند که «اااااا باک که نه» چهار، چنان، مدرن.....

Advertisement for 'آکهی مناقشه عمومی' (Public Discussion) with contact details for Jamjan Online.

بهرام‌پرو در این کتاب آن گونه که محمدرضایکی دیده‌است بهترین مولفه کارتن‌پاز بر گرفته از مفاهیم فلسفی و اسامی پهل ۱۳۸۳ مجموعه‌های در شراش با نام «حظر تندرتارنج» منتشر کرده‌اند. معمای آن در زمان انتشارش برای عراق یکی از بهترین کتاب‌های شعر دوز این ارائه می‌شده بود. هر چه بهمنی که برکت‌یاد کتابی خود کرده بود، می‌گفت:

«مختصر بگوییم، این مجموعه از جمله آثارهایی است که باید در غزل امروز می‌انداخت؛ اگر به‌سایمک بهرام‌پرو هم که با نسل او اتفاق افتاده است؛ نسله که به پسند من و ما کارکنان نیست؛ اما ما را به پسند اوسبار کاراست.»

وقتی محمدرضای بهمنی نخستین مجموعه از شعرهای یک‌شاعر جوان را در حد و اندازهای اتفاق توصیف می‌کند قطعا باید شعرهای چنین شاعری را جدی گرفت؛ جدی خواند و جدی نقد کرد.

بهرام‌پرو برای سطح تندرتارنج با شتاب و استمرار فراوان همچنان کتاب سرود، اما در زمینه انتشارش در صورت متعجب به هر دلیل که هم نمی‌تواند هیچ‌دانشگویی چندماهه داشته باشد؛ اما این در میانه به ترجمه هم پرداخت و در این زمینه آثاری را منتشر کرد.

اما بالاخره بازگویی دومین کتاب شعر سیامک بهرام‌پرو با نام «به رنگ نارنگی» توسط انتشارات هنرورسانه در دیهشت منتشر شده است؛ اما در مخاطبان و اهل فن بتوانند درباره حدود ۱۱۰ مقاله‌بابت و غزلی برای ای قضاتی جدی تر داشته باشند.

کتابی که مانند کتاب اول هم به‌باب مقدمه منتشر شده است؛ مدهامتی‌ها که این بار به‌لقم تکر محمدرضایکی، شاعر و استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران نوشته شده است.

Advertisement for 'آکهی مناقشه عمومی' (Public Discussion) with contact details for Jamjan Online.